

مظلوم مقتدر

تطبیق تاریخی مظلوم مقتدر
بر «حکومت امیرالمومنین (ع)
و «دوران جمهوری اسلامی»
و «این روزهای غزه»



اول

چرا مظلوم؟

زمانه امیرالمومنین

إِسْلَامُ عَلِيٍّ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَنْتَ
أَوَّلُ مَظْلُومٍ، وَأَوَّلُ مَنْ غَصِبَ حَقَّهُ
(زیارت پنجم امیرالمومنین (ع) از
امام هادی (ع))
او مظلوم بود. حقش را غصب
کردند، حق او حکومت بود. حق او
قدرت یافتن بود.
اما او مقتدر بود، او هم حق ولایت
داشت و هم مردانه در میانه میدان
کمک داد و صبر کرد و ایستاد تا
مردم بی تفاوت و بی خیال، بیدار
شوند.

دوران جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی نیز مظلوم بود.
حقش را غصب کردند. حق او
آزادی بود، حاکمیت داشت که پشتش را
خود بود، حاکمیت بر سرنوشت
کردند، فشار آوردند که او حاکم بر
سرنوشت خود نباشد. اما او از این
حق ذاتی و الهی اش کوتاه نیامد،
ایستاد و صبر کرد تا دنیا بیدار شود
و دست از ظلم بردارد.

این روزهای غزه

غزه نیز مظلوم بود. حق
حاکمیتش و حق مالکیتش و
حق حیاتش را گرفتند. همه دنیا
دست به دست هم دادند تا این
حق را بگیرند. اما او از این حقوق
الهی اش کوتاه نیامد. مردانند
ایستاد و مقاومت کرد تا دنیا
بیدار شود و بفهمد و ببذیرد این
ظلم آشکار را.

دوم

انحراف نخبگان

زمانه امیرالمومنین

تَقُولُونَ الْبَيْعَةَ الْبَيْعَةَ قَبَضْتُ كَفِّي
فَيَسْطِطُّوهَا وَ نَازَعْتُمْ يَدِي فَجَبَذْتُمُوهَا
اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا قَطَاعِي وَ ظِلْمَانِي وَ نَكْتَا بَيْعَتِي
وَ أَلْبَا النَّاسَ عَلَيَّ (خطبه ۱۳۷ نهج البلاغه
مقابل طلحه و زبیر)
پی در پی می گفتید آمده ایم بیعت کنیم،
دست خود را بهم نهادم شما باز کردید، و
آن را عقب بردم شما بسوی خود کشیدید،
بار خدایا طلحه و زبیر با من قطع رحم کرده،
ستم نموده، پیمان خود را شکستند، و
مردم را بر من شوراندند.
نخبگانی که بیعت کرده بودند، امام را پیش
انداخته بودند. پشت او را خالی، مردم را
گمراه و به او ظلم کردند.

دوران جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی نیز در این بیش از
۴۵ سال، دوستانی داشت که پشتش را
خالی کردند. به او ظلم کردند. نخبگانی
که چون به آنچه می خواستند نرسیدند
جمهوری اسلامی را متهم کردند.
مصادقش هم داستان فتنه منتظری و
قصه فتنه ۷۸ و سپس فتنه ۸۸ و ماجراهای
مختلف ریز و درشت از کسانی است که در
برزگاهها ظلم کردند و کنار کشیدند.

این روزهای غزه

غزه نیز مظلوم بود. نخبگانی که همراه
مردم فلسطین بودند، همچون یاسر
عرفات و محمود عباس در داخل سر
تسلیم فرود آوردند و مردم را مایوس
کردند. در خارج نیز کشورهایی چون
آذربایجان و ترکیه و عربستان و امارات
و مصر و دیگران عملاً به دشمنان مردم
مسلمان غزه کمک کردند.

سوم

جریان خوارج در طول تاریخ

زمانه امیرالمومنین

كَلِمَةُ حَقٍّ يُرَادُ بِهَا الْبَاطِلُ (خطبه ۴۰
نهج البلاغه مقابل خوارج)
در باره خوارج گفت اینها کلمات حق
می گویند اما اراده شان باطل است.
سخنان درست و آرماتجویانه را تبدیل
می کنند به مددی به جبهه دشمن.
همین ها که به اسم وحدت حول قرآن، راه
را برای خلاصی معاویه و لشکرش باز کردند
و اراده او را پیش بردند. همین ها که به
اسم حاکمیت خدا، جلوی حاکمیت امام
ایستادند.

دوران جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی نیز با جریان های به
ظاهر آرماتجو و انقلابی و دینی مواجه
بود که کمک می دادند به دشمن. چه آن
روز که انجمن حجتیه به نام ولایت امام
عصر (عج)، مانع ولایت فقیه می شد تا
راه برای ولایت طاغوت باز شود، چه آن
زمان که به نام عدالت، جمهوری اسلامی
را متهم به ظلم کردند که مستکبرین و
ظالمین حقیقی عالم میدان پیدا کنند و
حاکم شوند.

این روزهای غزه

غزه نیز ضربه خورد از آنان که به اسم اسلام
و دین کمک کردند به اسرائیل و آمریکا.
داعش به نام دین و خلافت عملاً مدد
داد به طرح راهبردی اسرائیل و آمریکا
در منطقه و زدن بازوان کمک رساننده
به فلسطین. همین جریان پشتیبان
عربستان و امارات بود در ضربه زدن به
یمن. سال هاست تکفیری های منطقه
کمک اسرائیل هستند و روبروی فلسطین.
شعراهایشان دینی است، اما حقیقتاً
مارهای خوش خط و خالند.

چهارم

جریان اوباش در تاریخ

زمانه امیرالمومنین

جَبَاةٌ طَغَامٌ، وَغِيْدٌ أَقْرَامٌ، جُمُعَا مِنْ كُلِّ أَوْبٍ،
و تَلْقَطُوا مِنْ كُلِّ شَوْبٍ، مِمَّنْ يَنْتَحِي أَنْ يَفْقَهُ
و يُؤَدَّبَ، وَ يُجْلَمَ وَ يُدْرَبَ، وَ يُؤَلَّى عَلَيْهِ، وَ يُؤْخَذُ
عَلَى يَدَيْهِ، لِيُشَوَّاهُ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ، وَ
لَا مِنَ الَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ (خطبه ۲۳۸
نهج البلاغه، درباره لشکر معاویه)
در باره لشکر معاویه می گوید آنها افرادی
سنگدل، اوباش و بردگانی فرومایه اند که از
هر سو گردآوری شده و از گروه های مختلف
و ناهمگون برگرفته شده اند، آنها از کسانی
هستند که سزاوار است آنان را دین و ادب
بیموزند و تعلیم و تربیت شوند و ولی و قیمی برای
سرپرستی آنها تعیین گردد و دستشان را بگیرند.
آنها نه از مهاجرانند و نه از انصار، نه از کسانی که
خانه و زندگی خود را در اختیار مهاجران قرار دادند
و از جان و دل ایمان را پذیرفتند.

دوران جمهوری اسلامی

نگاه کنید به دشمنان جمهوری اسلامی.
مثلاً ببینید در سال ۱۴۰۱ چگونه هرزه ها
و بی ریشه ها و اراذل و اوباش دست
در دست سلطنت طلبها و داعشی ها
و تجزیه طلب ها و همه و همه مقابل
جمهوری اسلامی قد علم کردند که
زمینش بزنند.

این روزهای غزه

دشمنان غزه چه کسانی هستند؟ شهرک
نشینانی که اراذل و اوباش جنایتکاری
هستند که از سراسر دنیا جمع شدند و
گروه های ترور تشکیل می دهند و مثل
آب خوردن فلسطینی ها را می کشند و
ترور می کنند. کسانی که قتل و جنایت
و کودک کشی برایشان عادت است و
از همه دنیا در فلسطین جمع شده اند.

